

## نقش و جایگاه زنان در بسط و توسعه آئین‌های شادی و اعیاد ملی و مذهبی در عصر ناصری

زینب اسکندری<sup>۱</sup>

### چکیده

عصر ناصری به عنوان نقطه عطفی در ظهور اندیشه‌های خردگرایانه و رسوخ افکار نوین در تاریخ معاصر ایران مطرح است و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن گسترش فعالیت‌های اجتماعی و گروهی در غالب سنت‌های دینی - مذهبی به شمار می‌رود. با وجود گستره فعالیت‌ها در عرصه‌های مختلف، نقش زنان آن‌گونه که شایسته مقام و خواسته ایشان بود، مجال بروز نیافت؛ زیرا موانع سیاسی، فرهنگی و دینی همچنان به قوت خویش باقی بود. با این حال ایشان با ورود به عرصه سنت‌های مذهبی و اجتماعی، بخشی از تأثیرگذاری خود را به منصفه ظهور رساندند و چون این دوره هم‌زمان با فراگیری و گسترده‌گی آئین‌های ملی و مذهبی بود، ایشان نیز فرصت را مغتنم شمرده، با وجود موانع بازدارنده تمدنی و فرهنگی، وارد این عرصه شدند و سهم بسزایی در توسعه مراسم ملی - مذهبی ایفا کردند. در این نوشتار نقش و جایگاه زنان در آئین‌ها و مراسم سرور و شادمانی‌ها مورد توجه است که از اثرگذاری ایشان در بخشی از فولکلور نیز اطلاعات مهمی می‌دهد. با اینکه در این دوره زنان، شهروند درجه دوم محسوب می‌شدند، خود را برای اعمال نقشی مؤثر در فرصت‌هایی هرچند اندک آماده ساخته، در تشکیل، مدیریت و اجرای برخی از این سنت‌ها پیش قدم شدند. در این مقال، میزان موفقیت ایشان در این عرصه و بهره‌گیری از ابزارها و همچنین تبعات حضورشان، محور بحث است. زنان با تدارک و تأمین مخارج و در نهایت با برگزاری جشن‌ها و

۱. کارشناس ارشد تاریخ. Sara.es30@yahoo.com

سنت‌های شادی، بر حضور خود در اجتماع و اجتناب ناپذیر بودن آن، تأکید داشتند و بر این نگرش مهر تأیید زدند.

کلیدواژه: زنان، آئین‌های شادی، عهد ناصری، باورها، سنت‌ها، رمضان، کلوخ اندازان، عید فطر، عید نوروز

### مقدمه

آئین‌های شادی و سوگواری، ریشه در فرهنگ کهن این مرز و بوم دارد. خصایل فرهنگی، هنری و ملی ایرانیان در طول قرن‌ها استمرار، ریشه‌ای محکم دوانده و بخشی از آن در آئین‌های گوناگونی که آئینه هر جامعه‌ای است، نمود پیدا کرده است. پی بردن به معناهایی که در دل سنت‌های یک جامعه نهفته است، چندان آسان نیست، اما از رویکردها و باورهای آن حکایت دارد. مراسم شادی و سرور در فرهنگ ایران اسلامی، نمونه بارزی از این سنت‌هاست که در طول تاریخ ایران با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده و در این دوره با ورود زنان به این عرصه افزون بر گستردگی، شکلی جدید یافت. در این تحقیق تلاش شده است تا برگزاری آئین‌ها و مراسم شادی در ایام مختلف و جایگاه و نقش زنان در بسط و نهادینه ساختن آن بررسی شود تا بخشی از تاریخ اجتماعی این دوره با حضور زنان روشن شود.

مراسم مربوط به شادمانی، همچون سوگواری، با همه وجوه خود سابقه‌ای دیرینه در تاریخ ایران دارد و عمر آن به پیش از ورود اسلام می‌رسد. این سنت‌ها پس از وقفه‌ای کوتاه در اثر ورود دین جدید، پیوندی عمیق با سمبل‌ها و ارزش‌های اسلامی یافتند و رفته رفته با تحولات پیش آمده در باورها و اعتقادات مردم، شکل اسلامی به خود گرفتند. برگزاری و اهمیت این آئین‌ها عمری برابر با تحولات و فراز و فرودهای تاریخ ایران اسلامی تا عهد قاجار دارد و کنار این تحولات، شاهد تغییر و نوسان بودند. از زمانی که آل بویه شیعی بر مسند قدرت سیاسی تکیه زدند، آئین‌های شیعی را رسمیت بخشیده، وارد عرصه حیات اجتماعی کردند. این سنت‌ها تا زمان صفویان به شکل‌های مختلفی تداوم یافت و در این دوره با اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی، بیش از هر زمان دیگری احیای آداب و سنن در دستور کار قرار گرفت؛ اما در همه این ادوار، این مردان یا نقش آفرینی آنان بود که خودنمایی می‌کرد. تا اینکه در زمان قاجار و در پی تحولاتی که در نگرش حاکمیت و مردم پیدا شد، به تدریج راه‌های ورود زنان به صحنه‌های اجتماعی گشوده شد. سنت‌های ملی و مذهبی یکی از این عرصه‌ها بود که زنان در آن حضور یافته، نقش آفرین شدند و تا حد بالایی قبح فعالیت ایشان را تحت الشعاع قرار می‌داد.

قابل ذکر است که سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا در ایجاد این تحول بی‌تأثیر نبود. چرا که با دیدن جایگاه اجتماعی زنان در اروپا، سوالات بسیاری در ذهن زن ایرانی شکل گرفت و به دنبال پاسخگویی بدان، یکی از راه‌ها جهت آغاز فعالیت‌های اجتماعی خود را شرکت در مراسم و سنت‌های ملی و مذهبی جست. این امر سبب شد تا زنان - که به عنوان یکی از اساسی‌ترین موضوعات در این دوره مطرح هستند - نقش مهمی در کمال این آئین‌ها ایفا کنند. بنابراین، شناسایی چرایی و چگونگی اثرگذاری ایشان در آداب

و رسوم مرتبط با شادی و سرور، از مسائل مهم تاریخ زنان در این دوره محسوب می‌شود. در این تحقیق کوشش شده است تا همه ابعاد که به نوعی از جهد و توجه زنان در این ایام خبر می‌دهد، در نظر گرفته شود و نقش مرئی و نامرئی و فرایند فکری ایشان مورد بررسی قرار گیرد. البته روشن است که توصیف‌ها و تحلیل‌های آمده در این مقال بر اساس داده‌هایی است که گاه از تصویر کامل مدعا ناتوانند، اما در عین حال تا حد بالایی فضای جدیدی را فراروی مخاطب می‌گشاید.

### آئین‌های شادی و جشن‌های ملی و مذهبی در عهد ناصری

دوره پنجاه ساله ناصری با وجود استبداد انعکاس یافته در ابعاد مختلف، شاهد فوران این آئین‌ها بود که از زمان دیلمیان تا زندیه، بستری توأم با نوسان را فراهم ساخته و حال نوبت آن بود که در بالاترین شکل ممکن تجلی یابد. بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این عصر، بیش از پیش به گسترش این آئین‌ها کمک می‌کرد و علاوه بر جنبه معنوی و تقویت دین‌مداری - که بعد اصلی آن در تمامی دوره‌ها بوده است - عاملی برای فراموش کردن موقتی گرفتاری‌ها و زبانی نامرئی و شکننده در انتقاد از اوضاع نابسامان و عقده‌های ناشی از ظلم بود.

برگزاری جشن‌های سرور و شادی، همچون سوگواری‌ها، در عهد ناصری بخش مهمی از تاریخ اجتماعی این دوره را تشکیل می‌داد و یکی از وجوه اصلی زندگی آنان به شمار می‌رفت. برپایی جشن و سرور به مناسبت‌های مختلف چون مولود ائمه (ع)، اعیاد ملی و مذهبی برای جامعه عصر ناصری حائز اهمیت بود. در این ایام زنان و مردان در بهترین شرایط و با آراسته‌ترین حالات ظاهر می‌شدند. به‌ویژه زنان، بهترین لباس‌ها و عطرها را استفاده می‌کردند و در استفاده از ابزار آرایش چون سرمه، وسمه و حنا، سنگ تمام می‌گذاشتند. حمام‌ها از همیشه شلوغ‌تر می‌شد و بهترین تزئینات را برای فضای خانه به کار می‌بردند. در دید و بازدیدهایی که روزهای عید صورت می‌گرفت، از بهترین شیرینی‌ها که دست‌پخت خودشان بود استفاده می‌کردند یا برای عزیزانشان پیش‌کشی می‌فرستادند. در مساجد، امامزاده‌ها و روضه‌خوانی‌های زنانه حضور می‌یافتند و علاوه بر کسب فیض از موعظه و شنیدن داستان‌های مربوط بدان آئین، به رفع حاجات می‌پرداختند.

این اعمال به باز کردن نقطه کور و ویرانی بن‌بستی که ایشان در پس آن محبوس بودند، کمک می‌کرد و برخی مواقع حکم شاه کلیدی را داشت که می‌توانست درهای بسته‌ای را که مانع استیفای حداقل حقوق‌شان، یعنی آزادی بود، بگشاید. برپا داری این آئین‌ها علاوه بر بعد مذهبی و اعتقادی که در اولویت قرار داشت، دارای ابعاد آموزشی، تعلیمی، اخلاقی، عبرت‌آموزی و سرگرمی بود. صرف‌نظر از همه این ابعاد، به مثابه کاراترین مرهم برای دردهایی بود که آن را به دوش می‌کشیدند. این عوامل سبب شد در مساجد، امامزاده‌ها و مکان‌های برگزاری آئین‌های شادی - به مراتب بیش از مردان - حضوری شورانگیز داشته باشند. مکتوبات این دوره به خوبی از چنین ادعایی پرده برمی‌دارد. نکته قابل تأمل اینجاست که با وجود تحولات چشم‌گیری که در زمینه روشنگری به‌واسطه جنبش‌های آزادی‌خواهی در دنیا به‌وقوع پیوست و

عهد ناصری نیز به عنوان مقدمه‌ای در سرازیر شدن افکار جدید در ایران مطرح شد، اعتقادات عامه از چهارچوب سنت‌های ملی - مذهبی خود خارج نشد و بلکه با تقویت و خلاقیت در آن به اعتلای آداب و سنت‌ها انجامید. به‌ویژه زنان - که به‌عنوان نیمی از اجتماع نقشی تعیین‌کننده و پیش‌برنده در توسعه این آئین‌ها داشتند - با وجود جایگاه متزلزلشان در اجتماع، در برپایی و بسط آئین‌های مربوط به این ایام، تأثیر چشم‌گیری گذاشتند.

توجه و علاقه شاه به پایداری و برقراری سنت‌های ایرانی - اسلامی و ارادت او به خاندان اهل بیت (ع) را می‌توان از عوامل تأثیرگذار در بسط و گسترش چنین مراسمی در این دوره به‌شمار آورد. با این حال نزد شاه و میان طبقات اشرافی، این آئین‌ها صرف‌نظر از جنبه‌های اعتقادی، بهانه‌ای برای نشان دادن شکوه و جلال سلطنت و همین‌طور تظاهر به دین‌داری و وطن‌دوستی برای جلب قلوب عام بود.<sup>۱</sup> در این ایام، رقابت میان اعیان و رجال مملکت بیشتر جلوه می‌نمود و حتی گاه موجب تنزل کیفیت مراسم مربوطه می‌شد که بیشتر جنبه سرگرمی و دید و بازدید پیدا کرده بود.<sup>۲</sup> شاه ارادت خاصی بر آستان امامان معصوم (ع) ابراز می‌داشت و برقراری مراسم برای تولد و شهادت ایشان را از قلم نمی‌انداخت و هزینه‌های هنگفتی را صرف آن می‌کرد. مردم در این دوره به تبعیت از شاه آئین‌شناس، در مراسم مختلف شادمانی حضور می‌یافتند و دغدغه برگزاری آن، بخش مهمی از زندگی‌شان شده بود. البته مردم این آئین‌ها را علاوه بر نیت مقدس و حفظ سنن، مسکنی برای دردها و آلام، دوایی برای فراموش کردن موقتی مشکلات و مشغله‌ای برای اوقات فراغت می‌دانستند.

### حضور و نقش آفرینی زنان در اعیاد و مراسم شادمانی

علاوه بر عموم زنان که در عرصه فعالیت‌های عمومی محدودیت داشتند، زنان خواص، شامل زنان حرمسرا، وزراء، اعیان و علما، از این قائله مستثنی نبودند و همواره در پی فرصت‌هایی موجه برای احیای نقشی مؤثر در اجتماع می‌گشتند. بخشی از این فرصت‌ها در غالب مراسم شادی و جشن‌های ملی و مذهبی، نمود پیدا کرد و هریک به فراخور توانایی‌ها و علائق خود به نحوی در این آئین‌ها و اعیاد تأثیرگذار شدند و ضمن استحکام بخشیدن به ریشه‌های آن، به بسط و نهادینه شدن آن دست یازیدند که نمونه‌هایی از آن در این تحقیق آمده است.

#### ۱. رمضان، کلوخ‌اندازان

ماه رمضان صرف‌نظر از شب‌های احیاء، ماه شادمانی بود. از رسم‌های بسیار مرسوم در این دوره، «کلوخ‌اندازان» بود. در این رسم زنان میهمانی می‌دادند و حنا بستن، وسمه کشیدن و دعوت از مطرب‌های زنانه، جزء آداب آن به شمار می‌رفت. اگر رمضان به تابستان می‌افتاد، این رسم با تشریفات بیشتری

۱. فووریه، سه سال در دربار ایران، ص ۱۰۷ و الگار، دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)، ص ۲۴۰.

۲. مستوفی، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۴۰۸.

در امامزاده عبدالعظیم، امامزاده صالح در تجریش و امامزاده داود و باغ‌های اطراف آن برگزار می‌شد. عزت‌الدوله، خواهر شاه، آن روزها مشهورترین مراسم کلوخ‌اندازان را بر پا و زنان اعیان و شاهدگان را دعوت می‌کرد.<sup>۱</sup> زنان در این روزها، خصوصاً بعد از ظهرها، برای نماز و موعظه به مساجد می‌رفتند. مسجد سپهسالار در این ایام حکم بزرگ‌ترین مسجد میزبان را داشت.<sup>۲</sup> زنان حرمسرای شاه همراه کنیز و کلفت در مسجدی که پشت تکیه دولت بود حضور می‌یافتند و از مجلس بهره‌مند می‌شدند.<sup>۳</sup>

## ۲. رمضان، عید فطر

قبل از فرارسیدن عید فطر، بساط جداگانه‌ای، خصوصاً در حمام‌ها به راه می‌افتاد. «از سه روز به عید مانده حمام‌های زنانه تا صبح باز بود، چون همه خانم‌ها می‌خواستند برای صبح عید پاک باشند. روزهای ماه رمضان زن‌ها نمی‌توانستند به حمام بروند، زیرا آن وقت که حمام دوش نبود، همه حمام‌ها خزانه داشت و اگر روزه‌دار سرش را به زیر آب خزانه می‌کرد، روزه‌اش باطل می‌شد. این بود که سه روز به عید فطر مانده حمام‌های زنانه مثل حمام‌های شب نوروز شلوغ می‌شد. صبح روز عید خانم‌ها برای نماز عید به صحرا می‌رفتند... هر خانمی فطریه خود و اهل خانه‌اش را به همراه می‌برد...»<sup>۴</sup> زنان طبقات اعیانی نیز بسیار در این امور ثابت قدم بودند. مرصع خانم، زن محمد قلی خان آصف‌الدوله، دایه زاده فتحعلی‌شاه، مقید به فرایض دینی و انجام مراسم مذهبی بود. در میلادها مراسم سرور و در عزاداری‌ها آئین سوگواری به پا می‌داشت. مشهور است که «در شب‌های ماه رمضان ضمن انجام اعمال وارده، ادعیه و اوراد خوانده در شیشه‌ای گلاب می‌دمید و روز عید فطر برای هر یک از بانوان حرم ناصری و همسران شاهدگان و غیره شیشه‌ای می‌فرستاد.»<sup>۵</sup>

## ۳. رمضان، ۲۷ رمضان

از جمله رسم‌هایی که زنان امروز قطعاً آن را به فراموشی سپرده‌اند یا شاید نام آن را از مادر بزرگ‌هایشان شنیده باشند، رسم حنا بستن در ۲۷ رمضان و عید عمرکشان<sup>۶</sup> است. در ۲۷ رمضان زنان به مناسبت قتل ابن ملجم قاتل حضرت علی (ع) به شادمانی و پایکوبی می‌گذراندند و همه ساله این روز را جشن می‌گرفتند. مانند روزهای عروسی بساط بزک و حنا و وسمه را پهن می‌کردند. در شب آن روز معمولاً با کله پاچه افطار و پس از آن مولودی خوانی می‌کردند که توسط ملاحی زنانه اداره

۱. مونس الدوله، *خاطرات مونس الدوله*، ص ۱۴۷-۱۴۶.

۲. بزرگ امید، *از ماست که بر ماست*، ص ۲۶.

۳. مونس الدوله، *خاطرات مونس الدوله*، ص ۱۵۱.

۴. همان، ص ۱۵۴.

۵. معیرالممالک، *رجال عصر ناصری*، ص ۲۶۵.

۶. عید عمرکشان برابر با ۹ ربیع الاول است. در این روز ابولوء لوء سردار ایرانی در نبرد نهاوند عمرین سعد را به قتل می‌رساند.

می شد.<sup>۱</sup> مکانی که برای بزرگداشت این روز تعیین شده بود، امامزاده زید بود. «همه ساله روز ۲۷ در امامزاده زید معرکه می شد. تمام زن های تهران نجیب و نانجیب، پیر و جوان، جمع می شدند و رسوماتی داشتند. مثلاً آن قدر حنا در آن روز می بستند که حوض بزرگ امامزاده آبش قرمز می شد، کارها دارند، پیراهن ها می دوزند، گدائی ها می کنند، مثلاً یکی حنای زیارت درست می کند، یکی حنای بخت درست می کند، یکی حنای سفید بختی می دهد، یکی حنای مراد می دهد.»<sup>۲</sup> مسجد سپهسالار نیز در این روز مملو از زنان می شد. مشهور است که شاه در این روز به آنجا می رفت و یک توپ گاز چارقد می خرید، میان زنان می انداخت. و زنان برای به دست آوردن یک چارقد، سر از پا نمی شناختند.<sup>۳</sup>

#### ۴. میلاد حضرت فاطمه (ع)

عید مولود حضرت فاطمه از مقدس ترین اعیاد نزد زنان بود، زیرا ایشان به آن حضرت اقتدا و او را بزرگ ترین الگوی پاکدامنی و درستکاری می دانستند. به ویژه زنان در طبقات درجه یک، این روز را به طور مفصل و با تشریفات باشکوه جشن می گرفتند. میس سایکس، خواهر سرپرستی سایکس، می گوید: «شنیده شد که جشن تولد دختر پیامبر اسلام در یکی از حرم سراهای شاهانه برپا می شود. من به هر زحمتی بود دعوتنامه لازم را به دست آوردم. زن های روسی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اتریشی و حتی امریکایی در آنجا کم نبودند. با درشکه تا وسط باغ مردانه رفتیم. در آنجا چند خواجه سیاه فرمان دادند و یکی از آنها ما را از پشت پرده ها و دالان ها و پله ها و سرازیری ها گذرانیده، به باغ زنانه رسانیدند... صدای ساز و آواز شرقی ها به گوش ما خوش آیند نیست، ولی از دیدن رقاصه ها و ساز زن ها، آلات طرب خیلی لذت بردم. خانم های ایرانی به طور کلی لباس بالت بر تن داشته، یعنی دامن های خیلی کوتاه که به زانو هم نمی رسید و شلوارهای کشدار تنگ و بلوزهای گشاد... سرشان هم دستمال های آهارزده رنگارنگ می بندند. ناگهان صدای هورا بلند شد و منظره را تغییر داد. اینکه می گویم، مقصودم هورا نیست، بلکه یک مرتبه همه زن ها و خواجه های سفید پوست و سیاه پوست، نعره شادی بر آوردند و دست زدند و تمام ساز زن ها و آوازه خوان ها به راه افتادند و نواهای شور انگیز نواختند. من از خانم راهنما شرح واقعه را پرسیدم؛ او گفت: عروس فاطمه را می آورند... آوازه خوان ها و ساززن ها که از ورود شاه خیردار گشتند، عروس فاطمه را در تالار آینه تنها گذاشتند و پاکوبان و دف زنان به استقبال شاهانه آمدند و آهنگ های گوش خراش خیر مقدم را طوری نواختند که گمان می کنم فرشتگان آسمان هم از این موسیقی پر جار و جنجال به زحمت افتادند.»<sup>۴</sup> منیرالسلطنه مادر کامران میرزا نایب السلطنه پس از مهد علیا عهده دار برپایی مولود حضرت فاطمه بود. پنجشنبه ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۰۶ «روز عید مولود حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا - علیه السلام - است. منیرالسلطنه، مادر

۱. همان، ص ۱۵۴.

۲. عین السلطنه، روزنامه خاطرات، ج ۱، ص ۷۱۶.

۳. بزرگ امید، از ماست که بر ماست، ص ۲۷.

۴. تفضلی، از فروغ السلطنه تا انیس الدوله، ص ۳۰۸.

نایب‌السلطنه، به رسم همه ساله جشن گرفته بودند و شاه هم عصر آنجا تشریف برده بودند.<sup>۱</sup> «هر سال در روز عید مولود مسعود حضرت صدیقه کبری بتول عذرا فاطمه زهرا - سلام الله علیها - نواب عالیه منیرالسلطنه، جشنی بزرگ در عمارت متعلق به خودشان می‌گیرند. امسال که این عید مقارن با ۲۱ جوزا و هوای دارالخلافه گرم شده بود، این جشن بزرگ در قصر و امارت بیلاقی مخصوص نواب اشرف مشهور به کامرانیه گرفته شد. از اهل حرمخانه مبارکه و شاهزاده خانم‌های محترم خانواده سلطنت و نسوان و وزرا و رجال و اعیان و اشراف مملکت دعوت شده بودند.»<sup>۲</sup>

در این مراسم مطربان کور را به میان زنان می‌آوردند تا برایشان نوازندگی کنند.<sup>۳</sup> جشنی که منیرالسلطنه در این روز به پا می‌کرد، از بزرگ‌ترین میهمانی‌های آن دوره به شمار می‌رفت. در این روز شبیه‌خوانی زنانه نیز برقرار می‌کرد. دختران جوان دم بخت که آرزو داشتند در جرگه بانوان حرم دربیابند، با صورت بزک کرده و خواندن دعا منتظر بودند تا مورد توجه شاه واقع شوند. زیرا در این مراسم تنها شاه و کامران میرزا حضور می‌یافت. منیرالسلطنه علاوه بر جشن مولود حضرت فاطمه در سایر جشن‌های مذهبی نیز فعال بود، سفره‌ها می‌انداخت و کارهای نمادین از این قبیل انجام می‌داد. قداست حضرت فاطمه نزد بانوان همچون ارادت مردان به امام علی و حسین (ع) بود و در تعزیه‌های زنانه که جنبه شادی داشت، علاوه بر عروسی یوسف و زلیخا، بلقیس و سلیمان، عروسی آن حضرت را نیز بازی و از او تجلیل می‌کردند.<sup>۴</sup> در مراسم عروسی خانواده‌های متعصب به جای زنان رقاصه و آوازه‌خان، از مآلهای زنانه دعوت می‌کردند و آنان برای بزم مجلس، داستان ولادت و عروسی حضرت فاطمه را به صورت شعر و آواز می‌خواندند و اهل مجلس کف زنان ایشان را همراهی می‌کردند.<sup>۵</sup>

انیس‌الدوله نیز این اعیاد را گرامی داشته، در این زمان میزبان میهمانان ایرانی و خارجی می‌شد. عزت‌الدوله روز میلاد امام حسین (ع) را بسیار ارج می‌نهاد و دو روز برای آن جشن و پایکوبی برپا می‌کرد. «روز اول از برادر تاج‌دار و بانوان حرمش پذیرایی می‌کرد و روز دوم از بانوان شه‌زادگان و اشراف و وزرا».<sup>۶</sup>

## ۵. عید نوروز

عید نوروز از جمله مفصل‌ترین اعیادی بود که زنان نهایت هنر، سلیقه و شادی خود را آشکار می‌کردند، زیرا علاوه بر اینکه بزرگ‌ترین عید ملی و باستانی است و سابقه بلندی در فرهنگ و تاریخ این مرز و بوم دارد، امامان معصوم بر این عید تأکید داشته، آن را از بهترین ایام دانسته‌اند و همگان را دربرپایی آن سفارش کرده‌اند. روایت‌های مختلفی در باب عید نوروز نقل شده. آمده است که در این روز حضرت علی(ع)

۱. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۶۲۰.

۲. روزنامه ایران، سال ۱۲۹۱، نمره ۳۸۹.

۳. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۴۸۴.

۴. مونس‌الدوله، خاطرات مونس‌الدوله، ص ۹۹ و ۱۰۷.

۵. همان، ص ۴۳.

۶. معیرالممالک، رجال عصر ناصری، ص ۲۶۷.

با مردم بیعت کردند<sup>۱</sup> و نیز روز پیروزی ایشان بر اهل نهروان، چنین روزی گزارش شده است.<sup>۲</sup> بر اساس پاره‌ای روایات نیز در این روز خداوند از بندگانش پیمان گرفت<sup>۳</sup> و منجی عالم بشریت در چنین روزی ظهور خواهد کرد.<sup>۴</sup>

یک ماه مانده به عید، بساط دوخت و دوز، خانه تکانی، پخت و پز انواع شیرینی و شکلات و هنرنمایی بانوان آغاز می‌شد. مراسم اصلی عید از چهارشنبه سوری آغاز می‌شد. مردان پی تفریح و خیابان‌گردی و زنان به دنبال رفع حاجات خویش می‌رفتند، چنانچه دختران دم بخت با چادر و چاقچور «به طرف سر در نقاره‌خانه راه می‌افتادند. زن‌ها عقیده دارند اگر موقعی که نخستین چوب نقاره‌چی به طبل می‌خورد از زیر سر در عبور کرده، یک مرتبه این طرف و آن طرف بروند، بخت دخترانشان باز خواهد شد و فوراً برای آنها خواستگار خواهد آمد، ولی به شرط آنکه درست در همان آنی که نخستین چوب به طبل بخورد، در زیر سر در باشند... اتفاقاً خیلی از جوان‌ها و پسر حاجی‌ها در همین اوقات عاشق دخترانی شده و با تعقیب آنها منزلشان را یاد گرفته و خواستگار برایشان می‌فرستند.»

رسم قاشق زنی در چهارشنبه سوری برای برآوردن آرزوها در حرمسرای شاه نیز متداول است؛ به‌ویژه کلفت و کنیزها بر در هر یک از خانه‌های ارک رفته، کنار آن قاشق می‌زدند. برای تکمیل تشریفات قبل از عید «از چند روز قبل از عید در خانه‌های تهران مشغول فراهم کردن وسایل و مقدمات و سمه‌کشان می‌شوند. در این روزها بزازه‌ها، خرازی‌ها و دوره‌گردها کارشان رونق زیادی دارد. این دسته اغلب از محله ارگ عبور می‌نمایند و زن‌های اندرونی ناصرالدین شاه به محض اینکه صدایشان را می‌شنوند، فوراً آغاه‌ها و خواجه‌های حرمسرا را دور بزازی یا خرازی جمع نموده، توپ توپ پارچه‌ها و سایر کالاها را خریداری می‌کنند. یکی از مراسم دیگر زن‌ها در موقع عید، و سمه کشیدن است. چند شب پیش از عید در خانه‌ها شروع به این کار می‌کنند.»<sup>۵</sup>

شب عید زن خانه رشته پلو با مرغ و ماهی بار می‌کرد تا مثلاً رشته کار دستشان بیاید.<sup>۶</sup> درست کردن تخم مرغ رنگی از دیگر هنرهای ظریف دست بانوان بود. آن را به سلیقه خود رنگ و نقاشی کرده، علاوه بر تنقلات و خوراکی‌هایی که بر سر هفت سین می‌چیدند، آن را نیز جای می‌دادند.<sup>۷</sup>

در حرمسرای شاه چند روز به عید مانده، فراشان برای هر یک از دختران شاه خونه‌چه محتوی شیرینی،

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۵

۲. همان، ج ۳۳، ص ۴۰۴

۳. همان، ج ۵، ص ۲۳۷

۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۵۶

۵. تفضلی، از فروغ السلطنه تا انیس الدوله، ص ۲۹۱ و ۲۸۹

۶. نجمی، تهران عهد ناصری، ص ۴۹۲

۷. بیت، سفرنامه خراسان و سیستان، ص ۱۲۹



قند، آجیل و چندین گوسفند می‌بردند.<sup>۱</sup> در وسط حیات، کلفت‌ها یک دیگ و سمه بار می‌گذاشتند و خانم‌ها دور آن گرد و در حالی که مشغول شنیدن ساز و آواز کلفت‌ها می‌شدند، به ابروهای خود و سمه می‌کشیدند. میان مردم عامی نیز رسم و سمه‌کشان پابرجا بود و پس از آن زن‌ها از کودکان خود خون گرفته، آنها را حجامت می‌کردند.<sup>۲</sup> در روزهای نوروز ارک انیس‌الدوله شاهد حضور خانم‌های رجال بود که همه روزه به دیدار او می‌رفتند و علاوه بر تقدیم هدایا و تحفه‌هایی مثل شیرینی، مربا، نقل و نبات که لابه‌لای آنها را با جواهر تزیین می‌کردند، پس از خوش و بشی، درخواست‌هایی را از ایشان می‌کردند. چرا که این زمان بهترین فرصت برای رفع نیازها و حاجاتی بود که فقط انیس‌الدوله می‌توانست با نفوذش اجابت کند.<sup>۳</sup> قمرالسلطنه زن میرزا حسین خان سپهسالار سخت پای‌بند شعائر دینی و برگزاری رسوم ملی - مذهبی بود و در بیشتر اعیاد به همه عیدی می‌داد. «یکی از سال‌ها که انیس‌الدوله در عید نوروز به تهنیت قمرالسلطنه رفته بود، وی مثنی جواهر به همسر برگزیده شاه به عنوان عیدی ارزانی داشته بود.»<sup>۴</sup>

#### ۶. سیزده به‌در

سیزدهم نوروز از ایام فرخنده و سعیدی است که ایرانیان در قرون متمادی آن را در دامان طبیعت به پای‌کوبی و شادی گذرانده، رسمی بودن دوره نوروز را به پایان می‌رسانند. در این روز سیزده گره زدن برای بخت‌گشایی - که میراث ایرانیان باستان و حتی اقوام آریایی است - میان دختران جوان متداول و به همین دلیل این روز برایشان حیاتی و سرنوشت‌ساز بود و آرزو می‌کردند تا سیزده سال بعد، شوهر کنند. زمانی که این کار را می‌کردند، زنی می‌گفت «سیزده به در سال دگر، خانه شوهر، بچه بیر» علاوه بر این زنان و دختران نیت‌ها و آرزوهای دیگری همچون زیارت و جلب محبت شوهر را می‌کردند. زنان در این روز از اقوام خویش در باغ‌های اطراف دعوت می‌کردند و «کنار دیوار باغ تاب می‌خوردند؛ حتی الک دولک و توپ بازی هم می‌کردند.»<sup>۵</sup>

در برخی شهرها از بیرون آمدن زنان در این روز ممانعت می‌کردند. اما آنان توجه نمی‌کردند و از خانه‌ها خارج شده، به گشت و گذار می‌پرداختند. بیت درباره سختگیری گارد امنیتی در مشهد می‌گوید: «به زنان اجازه نمی‌دهند تا از خانه‌ها خارج شوند. وقتی که صبح زود از دروازه سراب خارج شدم، دیدم یک گارد در آنجا مستقر است. دلیل این امر را پرسیدم. آنها گفتند علت استقرارشان در آنجا این است که نگذارند زن‌ها از شهر خارج شوند. این دستور را روحانیون صادر کرده بودند... اما زن‌ها معمولاً توجهی به این امر نکرده، برای سیزده از خانه‌ها خارج می‌شوند.»<sup>۶</sup>

۱. معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۵۳ و ۶۱.

۲. تفضلی، از فروغ السلطنه تا انیس‌الدوله، ص ۲۹۱ و ۲۹۲.

۳. سرنا، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص ۲۲۰.

۴. معیرالممالک، رجال عصر ناصری، ص ۲۶۳.

۵. مستوفی، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۵۳۱ و ۵۳۳.

۶. بیت، سفرنامه خراسان و سیستان، ص ۲۷۹.

### نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نقش برجسته زنان را در پاس‌داشت و بسط آیین‌های عاشورایی ملاحظه کرد. زنان در عصر ناصری، با وجود تقیدات مذهبی و تنظیم اعمال و سکناشان با آن، به فعالیت اجتماعی روی آوردند. آنان دریچه باورها و آداب مذهبی را به عنوان مؤثرترین راه برای ارتباط با دنیایی فرای آنچه در آن حضور داشتند، یافتند و از آن طریق به عرصه کنش‌های اجتماعی وارد شدند و با این که در برخی موارد با مخالفت صریح متصدیان دینی مواجه شدند، دست از تلاش خویش برنداشتند و با این کنش‌گری خود، هم مسیر جدیدی فراروی زنان پس از خویش گشودند و هم در توسعه مراسم مذهبی گام برداشتند.

در این دوره بخشی از دایره محدود آزادی زنان، مرهون اعمال و عبادات و مشارکت ایشان در مراسم شادمانی بود که توسط باورها و اعتقاداتشان شکل گرفته و به دلیل تعصب و پای‌بندی که نسبت بدان ابراز می‌کردند، پا را از محدودیت‌هایشان فراتر نهاده، به سوی مکان‌هایی که قبلاً حاجاتشان بود، می‌رفتند. حرکات و اعمال ایشان نیز در این مکان‌ها به تناسب مراسمی که پیش رو داشتند، شکل می‌گرفت. آنچه در این تحقیق نمایان است، حضور قابل توجه زنان گسترده در اعیاد ملی و مذهبی و شادمانی‌های مرسوم است. شور آنان در این مقول تداعی‌کننده باورها و اعتقاداتی است که محور اصلی فکری ایشان را شکل داده بود و برپایی و شرکت در این رسوم را لازمه عمل بدان می‌دانستند. ایشان کوچک‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین اهرم‌ها را برای توسعه و باشکوه ساختن مجالس به کار می‌بردند و شرایط اضطراری در برابر این آئین‌ها کم‌اهمیت جلوه می‌نمود، زیرا ضمن ایجاد شادی و رضایت خاطر خود، از این طریق به ثواب اخروی آن نیز می‌اندیشیدند و اهمیت آن دوچندان می‌شد. به همین علت می‌توان زنان را از عوامل برجسته رونق و رواج سنت‌های شادی و سرور و اعیاد و بسط مراسمی که در دوره‌های قبل چندان بدان توجهی نمی‌شد، بدانیم.

به زعم اعتقادات مذهبی که عامل و پایه اصلی مشارکت زنان در ایام شادی بود، نمی‌توان وجوه دیگر را در آن بی‌اساس خواند. آنچه در این پژوهش گواهی می‌دهد، این است که گرایش زنان به این سمت و سو، علاوه بر اعتقاد پاک دینی، شرایط حاکم بر زنان این عصر و محدودیت‌های ناشی از آن مثل فقدان سرگرمی‌های مناسب، مراوده‌های علمی، کسب دانش و سخت‌گیری‌هایی که از جانب مردان اعمال می‌شد، بوده است. بزرگ‌ترین بازتاب این اشتیاق را می‌توان در گشایش دریچه‌هایی که آنان را به سوی تعلیم و تربیت سوق می‌داد، مشاهده کرد و دور از انصاف است اگر یکی از پایه‌های اصلی آشنایی زنان با حقوق خود و مبارزاتشان در این راه را شناخت و شرکت در این آئین‌ها ندانیم. بنابراین، نقش‌آفرینی زنان در آئین‌ها و مراسم شادی در بسط آن مثمر ثمر و از عوامل ثبوت آن در تاریخ ایران اسلامی شد.

**منابع:**

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، *روزنامه خاطرات*، کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
۲. الگار، حامد، *دین و دولت در ایران* (نقش علما در دوره قاجار)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۹.
۳. بزرگ امید، ابوالحسن، *از ماست که بر ماست*، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۴. تفضلی، ابوالقاسم و معتضد، خسرو، *از فروغ السلطنه تا انیس الدوله*، زنان حرمسرای ناصرالدین شاه، تهران، گلریز، ۱۳۷۷.
۵. روزنامه ایران، جلد دوم، سال ۱۲۹۶ق، تهران، کتابخانه ملی، ۱۳۷۵.
۶. سرنا، کارلا، *آدمها و آئینها در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲.
۷. شل، لیدی، *خاطرات لیدی شل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۸. عین السلطنه، *روزنامه خاطرات*، کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
۹. فووریه، جان، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال، تهران، شرکت چاپ و انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، چاپ دوم، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳.
۱۱. مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۱، تهران، هرمس، ۱۳۸۶.
۱۲. معیرالممالک، دوستعلی خان، *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه*، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
۱۳. \_\_\_\_\_، *رجال عصر ناصری*، تهران، تاریخ ایران.
۱۴. مونس الدوله، *خاطرات مونس الدوله*، ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه، کوشش سیروس سعدونیان، تهران، زرین، ۱۳۸۶.
۱۵. نجمی، ناصر، *تهران عهد ناصری*، چاپ دوم، تهران، نشر عطار، ۱۳۶۷.
۱۶. بیت، کلنل چارلز ادوارد، *سفرنامه خراسان و سیستان*، ترجمه قدرت الله روشنی، زعفرانلو، مهرداد رهبری، نشر یزدان، ۱۳۶۵.